

# چه گونگی تصمیم ارتش

## به اعلام بی طرفی در بهمن ۱۳۵۷

سپهبد جلال پژمان

### □ اشاره

اعلام بی طرفی ارتش در انقلاب ۱۳۵۷ یکی از مهم ترین مباحث تاریخی انقلاب است.

مقاله‌ی حاضر، تلخیصی از «خاطرات سپهبد جلال پژمان» (فرمانده‌ی لشکر گارد) در این مورد است که در کتابی با عنوان **فروپاشی ارتش شاهنشاهی** (تهران، نشر نامک، ۱۳۸۶) منتشر شده است. (حافظ)

نویسنده از تاریخ ۵۴/۸/۶ از لشکر پیاده‌ی گارد به ستاد بزرگ ارتش‌تاران با سمت معاون رییس ستاد امور لجستیکی (اداره‌ی چهارم) منتقل شدم و این مدت یعنی از آبان ماه ۱۳۵۴ تا بهمن ۱۳۵۷ به سه دوره تقسیم می‌شود.

- دوره‌ی اول از تاریخ ۵۴/۸/۶ تا ۵۷/۸/۱۵ در زمان ریاست تیمسار ارتشبد غلام‌رضا ازهار‌ی.

- دوره‌ی دوم از تاریخ ۵۷/۸/۱۶ تا ۵۷/۱۰/۱۴ در زمان سپهبد هوشنگ حاتم جانشین ریاست ستاد بزرگ ارتش‌تاران.

- دوره‌ی سوم از تاریخ ۵۷/۱۰/۱۵ تا ۵۷/۱۱/۲۲ در زمان ریاست تیمسار ارتشبد عباس قره‌باغی.

سپهبد هوشنگ حاتم... آخرین شغل وی در زمان انقلاب، جانشین رییس ستاد بزرگ ارتش‌تاران بود و زمانی که ارتشبد ازهای به نخست‌وزیری منصوب گردید، سپهبد حاتم به مدت ۵۵ روز تا انتخاب ارتشبد قره‌باغی عهده‌دار مقام جانشینی رییس ستاد بزرگ ارتش‌تاران بود. افسری بود

بسیار مودب، تحصیل کرده و در تمام دوره‌های آموزشی نظامی شاگرد اول بود. هم او بود که چنان‌چه بعداً ذکر خواهد شد، پیشنهاد پیوستن ارتش را به مردم در کمیسیون فرماندهان در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۲ مطرح نمود.

بزرگ‌ترین خطای ارتشبد قره‌باغی این بود که به تقاضای آقای بازرگان و یدالله سبحانی در ملاقات روز ۹ بهمن ۱۳۵۷ ترتیب اثر نداد و سعی کرد اعضای شورای عالی ارتش را خام و بی‌اطلاع از جریان پشت پرده نگه داشته و صورت جلسه را آن‌طور که مورد نظر خودش بود تنظیم نماید، در حالی که از چندین روز قبل از ۲۲ بهمن اکثر روسای ادارات به منظور جلوگیری از خون‌ریزی، شدیداً تمایل داشتند که به صورتی که به حیثیت ارتش لطمه وارد نیاید با توافق با نیروهای مخالف حتا قبل از ورود آقای خمینی، به اعتصابات، بی‌نظمی‌ها و کشت و کشتار خاتمه دهند.

در بررسی این قسمت حساس از بحران کشور لازم است خوانندگان محترم، خود را کاملاً در جریان وضعیت و رویدادهای مربوطه بگذارند، زیرا درک هر پدیده جدید و نتیجه‌گیری منطقی از دگرگونی‌های حاصله، تنها در چارچوب و موقعیت زمان خود و با در نظر گرفتن وضعیت نیروهای خودی و طرف مقابل امکان‌پذیر و میسر خواهد بود و بایستی مسائل اساسی مانند اوضاع عمومی و بحران کشور، خواسته‌ی آن زمان ملت ایران و وضعیت آن روز نیروهای مسلح شاهنشاهی، توانایی سران ارتش و متصدیان

مشاغل حساس و کلیدی در نظر گرفته شود. برای تجسم بهتر وضعیت در چند روز قبل از به ثمر رسیدن انقلاب مجدداً به صحبت‌های ارتشبد هایزر به ارتشبد قره‌باغی و فرماندهان نیرو اشاره می‌شود که می‌گوید: یک ژنرال ۴ ستاره (منظورش قره‌باغی‌ست) باید در خود احساس یک مسوولیت مطلق بکند که آن جز وفاداری به ملت چیز دیگری نمی‌تواند باشد. اگر یک ژنرال ۴ ستاره، دستور و اوامری را که به نظرش برای ملت زیان‌آور است بپذیرد به کشورش خیانت کرده است. (در این‌جا بایستی نتیجه گرفت که ارتشبد قره‌باغی اگر لیاقت و کارایی و موقع‌شناسی و ابتکار لازم یک امیر ۴ ستاره را داشت و حس می‌کرد که ارتش یک جزء لاینفک برای ملت ایران است، برخلاف میل و اراده مردم رفتار نمی‌کرد). به هر تقدیر، ارتشبد عباس قره‌باغی در صفحه‌ی ۳۰۸ کتاب خاطرات می‌گوید:

«چون تشدید بحران کشور، اظهارات مکرر نخست‌وزیر درباره‌ی تغییر مواد قانون اساسی، همکاری دولت و سازمان‌های دولتی با مخالفت‌های مخالفین و انتخاب آقای بازرگان برای نخست‌وزیری از طرف آقای خمینی... نیروهای مسلح را روزه‌روز بیش‌تر به طرف روحانیون و مخالفین سوق می‌داد، لذا لازم دانستم با استفاده از مراسم سرودشی دانشکده‌ی افسری روز ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ تذکراتی به پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی بدهم. دستورات من در دانشکده‌ی افسری از رادیو تلویزیون پخش گردید و خلاصه آن را روزنامه‌ها بدین شرح

درج نمودند: قره‌باغی دیروز در دانشکده‌ی افسری گفت: ارتش نباید در سیاست دخالت کند، وی اضافه کرد ارتش از دولت قانونی حمایت خواهد نمود و بین فرماندهان ارتش نیز اختلافی نیست...»<sup>۱</sup>

از ۱۹ تا ۲۲ بهمن اتفاقات بسیار سریعی روی داد که کار را از دست ارتش به کلی خارج کرد و منجر به تشکیل جلسه‌ی تاریخی شورای عالی ارتش در روز ۲۲ بهمن شد. بعضی از وقایع به این شرح است: در ۱۹ بهمن و نزاع بین همافران و پرسنل گارد جاویدان در مرکز آموزش نیروی هوایی بخش اسلحه بین همافران، اعزام سی دستگاه تانک به سرپرستی سرلشکر کاظم ریاحی برای کمک به مرکز آموزش هوایی که در میدان امام حسین تعدادی از تانک‌ها به‌وسیله‌ی مردم به آتش کشیده شد و سرلشکر ریاحی نیز کشته شد، خلع سلاح دو گروهان اعزامی از قزوین به‌وسیله‌ی مردم کرج در ابتدای آتوبان شاهدشت کرج و خلع سلاح نظامیان و اعلام همبستگی آن‌ها که بالنتیجه ۶۰ دستگاه رپو، جیپ آمبولانس و تعداد زیادی اسلحه و مهمات به‌وسیله‌ی مردم به غنیمت گرفته شد، عدم امکان پشتیبانی فرمانداری نظامی جهت اعزام پرسنل به مسلسل‌سازی و تصرف مسلسل‌سازی به‌وسیله‌ی مردم، تمرد سرلشکر علی نشاط از اعزام پرسنل به فرمانداری نظامی، اشغال بیشتر کلانتری‌ها به‌وسیله‌ی مردم، تسلیم محافظان کلانتری‌های مجیدیه، سلیمانیه، بهارستان، میدان مجسمه، میدان خراسان، نازی‌آباد، خیابان گرگان و ایرانشهر، اشغال کلانتری‌ها به‌وسیله‌ی مردم و تقسیم اسلحه، مهمات و وسایل بین حمله‌کنندگان.

قره‌باغی نوشته است:

«بدین ترتیب نیروهای مسلح شاهنشاهی در اثر اقدامات سازش‌کارانه‌ی آقای بختیار با مخالفین و همکاران سابقش در وضعیت وخیمی قرار گرفته بودند. ضمناً سپهبد رحیمی تلفنی اطلاع داد که فرماندهان مناطق فرمانداری نظامی در

مراکز فرماندهی خود حضور ندارند و امور فرماندهی وی به کلی مختل شده است. در این موقع، سپهبد حاتم جانشین و سپهبد فیروزمند معاون ستاد بزرگ را به دفترم خواسته اظهار نمودم، تیمساران که در وضعیت عمومی نیروها هستند، می‌خواستیم برای اخذ تصمیم نهایی مرکز فرماندهی و اداره‌ی سوم در یک شور ستادی وضعیت خصوصی هر یک از نیروها به‌خصوص وضع نیروی زمینی، هوایی، فرمانداری نظامی و شهربانی را تشریح نماید. سپهبد حاتم اظهار کرد: اداره‌ی سوم ستاد بزرگ به علت نداشتن آخرین اطلاعات کافی از وضعیت خصوصی نیروهای مسلح شاهنشاهی، در جریان وضعیت حقیقی آن‌ها نمی‌باشد و برای این‌که ستاد در جریان واقعی نیروها و سایر سازمان‌های ارتش و ادارات را برای تشکیل یک شور ستادی به ستاد بزرگ ارتشتاران دعوت کنیم. به سرلشکر جناب رییس دفتر دستور احضار فوری آن‌ها را دادم و تا قبل از ساعت ۱۰/۳۰ روز ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ افسران مشروحه‌ی زیر در سالن کنفرانس حضور به هم رساندند.

۱- ارتشبد عباس قره‌باغی

رییس ستاد بزرگ ارتشتاران

۲- ارتشبد جعفر شفق

وزیر جنگ

۳- سپهبد حسین فردوست

رییس بازرسی شاهنشاهی (رییس دفتر ویژه‌ی اطلاعات. چنین عنوانی در سازمان ارتش پیش‌بینی نشده بود.)

۴- سپهبد هوشنگ حاتم

جانشین رییس ستاد بزرگ ارتشتاران

۵- سپهبد عبدالعلی نجیمی نائینی

مشاور رییس ستاد بزرگ ارتشتاران

۶- سپهبد احمد علی محقق

فرمانده ژاندارمری کشور

۷- سپهبد عبدالمجید معصومی نائینی

معاون پارلمانی وزارت جنگ

۸- سپهبد موسی رحیمی لاریجانی

رییس اداره‌ی یکم ستاد بزرگ ارتشتاران

۹- سپهبد ناصر فیروزمند

معاون ستاد بزرگ ارتشتاران

۱۰- سپهبد خلیل بخشی آذر

رییس اداره‌ی پنجم ستاد بزرگ ارتشتاران

۱۱- سپهبد علی محمد خواجه‌نوری

رییس اداره‌ی سوم ستاد بزرگ ارتشتاران

۱۲- سپهبد جعفر صناعی

معاون لجستیکی نیروی زمینی شاهنشاهی

۱۳- سپهبد ناصر مقدم

معاون نخست‌وزیر و رییس سازمان امنیت

۱۴- سپهبد رضا وکیلی طباطبائی

رییس بازرسی مالی ارتش

۱۵- سپهبد حسین جهانبانی

معاون پرسنلی نیروی زمینی شاهنشاهی

۱۶- سپهبد محمد کاظمی

معاون طرح و برنامه‌ی نیروی زمینی

شاهنشاهی

۱۷- سپهبد امیرفرهنگ خلعتبری

معاون عملیاتی نیروی زمینی شاهنشاهی

۱۸- سپهبد رحیمی آبکناری

رییس آجودانی ستاد بزرگ ارتشتاران

۱۹- سپهبد عبدالعلی بدره‌یی لرستانی

فرمانده‌ی نیروی زمینی شاهنشاهی

۲۰- سرلشکر پرویز امین‌افشار

رییس اداره‌ی دوم ستاد بزرگ ارتشتاران

۲۱- سپهبد امیرحسین ربیعی

فرمانده‌ی نیروی هوایی شاهنشاهی

۲۲- دریاسالار کمال حبیب‌اللهی

فرمانده‌ی نیروی دریایی شاهنشاهی

۲۳- دریاسالار اسدالله محسن‌زاده

جانشین فرمانده‌ی نیروی دریایی

۲۴- سرلشکر کبیر

دادستان ارتش

۲۵- سرلشکر محمد فرزام

رییس اداره‌ی هفتم ستاد بزرگ ارتشتاران

۲۶- سرلشکر منوچهر خسروداد

فرمانده‌ی هواپیمایی نیروی زمینی

۲۷- سپهبد جلال پژمان

رییس اداره‌ی چهارم ستاد بزرگ ارتشتاران<sup>۲</sup>

مرکز فرماندهی به‌منظور ایجاد زمینه‌ی

لازم برای صلور و اخذ تصمیم فرماندهی

عالی ارتش ایجاد شده و تحت نظر رییس

اداره‌ی سوم عملیات و وظایف محوله را انجام

می‌دهد. بنابراین ذکر این که می‌خواهیم مرکز فرماندهی و اداره‌ی سوم برای تشریح وضعیت خصوصی نیروها، یک شور ستادی تشکیل دهند، عدم اطلاع ایشان از وظایف و نحوه‌ی عمل مرکز فرماندهی را به دلایل زیر روشن می‌سازد:

۱- اگر از این طریق ارتشبد قره‌باغی می‌دانست که می‌تواند اطلاعات مورد لزوم را از وضع نیروها به دست بیاورد، کافی بود به مرکز مزبور که در چند قدمی دفتر رییس ستاد قرار داشت رفته و با احضار سپهبد خواجه‌نوری رییس اداره‌ی سوم که مدیر مرکز فرماندهی بود، در جریان خواسته‌های خود قرار می‌گرفت.

۲- این مرحله در عملیات نظامی مهم‌ترین و آخرین مرحله‌ی ست که فرماندهی با اعلام تدبیر عملیات و صدور دستور عملیاتی تکلیف واحدها و نحوه‌ی اجرای عملیات را روشن می‌سازد و آن را تشکیل جلسه برآورد وضعیت عملیاتی یا برآورد وضعیت فرماندهی می‌گویند و اطلاق شور ستادی مطلقاً غلط و بی‌معنی است.

۳- یک فرمانده نظامی مجرب، قاطع و آزموده هیچ‌گاه در اخذ تصمیم با کسی مشورت نمی‌کند. در این مرحله قاطعیت، قبول مسوولیت، شخصیت و منش نظامی لازم است نه مشورت. قبلاً نیز به عرض خوانندگان محترم رسید که مشورت در جنگ دلیل ضعف و ناتوانی فرماندهی بوده و عدم قاطعیت و قابلیت اعمال فرماندهی او را به ثبوت می‌رساند.

۴- برآورد وضعیت عملیاتی با شرکت ارکان چهارگانه‌ی ستاد عمومی بایستی به شرح زیر در حضور فرماندهی تشکیل بشود: الف) رکن دوم، اطلاعات و ضد اطلاعات. وظیفه‌ی رییس رکن دوم، بررسی و اقدامات لازم در مورد جو، زمین و دشمن در مدت عملیات است که در این وضعیت جو و زمین مطرح نیست، طرف مقابل را هم می‌توان دشمن به حساب آورد و به جای آن، آنان را نیروهای مقابل یا انقلابیون می‌نامیم (نامیده می‌شوند). رییس رکن دوم موظف

است در ابتدا امکانات نیروهای مقابل یا انقلابیون را به طور کامل و مشروح بیان نماید.

ب) رکن سوم، وظیفه‌ی رییس رکن سوم با توجه به بند (الف)، تشریح و ذکر راه‌های کار خودی در مقابل هر یک از امکانات انقلابیون می‌باشد.

پ) رکن یکم پرسنل، رییس رکن یکم، امور پرسنلی، کمبود کدهای تخصصی (اگر کمبودی باش) آمار و روحیه و آمادگی انجام وظیفه‌ی پرسنل ابواب جمعی را تشریح می‌نماید.

ت) رکن چهارم لجستیک درباره‌ی امکانات پشتیبانی تدارکاتی، خدمات، ذکر کمبودها (به خصوص مهمات و سوخت) که در این وضعیت واحدها با اشکال تامین بنزین و سوخت مورد نیاز تانک‌ها و خودروها به علت اعتصاب کارگران شرکت ملی نفت و مراکز پخش بنزین و سوخت مواجه هستند، فرماندهی را در جریان قرار داده و احیاناً پیشنهادات لازم را برای رفع کمبودها مطرح می‌نماید. بنابراین روسای ارکان چهارگانه‌ی بالا بهترین عناصر ستادی هستند که وجودشان در تصمیم‌گیری صحیح فرماندهی اثر کلیدی و حیاتی داشته و مشخصات آنان به قرار زیر است:

سوابق و توانایی‌های ارکان چهارگانه در آن روز

۱- رییس اداره‌ی دوم اطلاعات و ضد اطلاعات (رکن ۲) از ستاد مشترک ۴، سرلشکر ۵ پرویز امینی افشار، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۲۸ رشته‌ی پیاده‌ی دانشکده‌ی افسری. از افسران اطلاعاتی دفتر ویژه‌ی اطلاعات بود که از درجه‌ی سرگردی در محل رییس ضد اطلاعات سازمان گارد جاویدان انجام وظیفه می‌نموده است و فعالیت‌هایش بیش‌تر صرف تامین حفاظت و امنیت فرماندهی کل ارتش و همراهان در مسافرت‌های خارج از کشور می‌گردید و توجهی به انجام وظیفه‌ی اطلاعاتی خود در واحد مربوطه نداشت. در زمان فرماندهی

سپهبد بدره‌یی در گارد شاهنشاهی با ایجاد روابط بسیار نزدیک با ایشان و بدون داشتن حتی یک روز سابقه‌ی خدمت در صف به فرماندهی لشکر چهارده هزار نفری (لشکر پیاده‌ی گارد) منصوب گردید که اثر بسیار بدی در روحیه‌ی پرسنل زحمت‌کش آن لشکر به جا گذاشت. از آن‌جا که در ایجاد روابط خصوصی با بلندپایگان ارتش استاد بود، چنان‌چه قبلاً اشاره شد با نقل یک خبر بهجت اثر برای ارتشبد قره‌باغی درباره‌ی انتصاب وی به وزارت کشور در دولت مهندس شریف امامی زمینه را برای جهش به مقام سپهبدی فراهم نمود. چنان‌چه مشاهده گردید، به مجردی که ارتشبد قره‌باغی به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران منصوب شد، بدون بررسی لیاقت و استعداد و تجربه‌ی خدمتی مورد لزوم، او را به ریاست بزرگ‌ترین ادارات ستاد بزرگ ارتشتاران (اداره‌ی دوم) منصوب نمود (شما خواننده‌ی عزیز، خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل و بدان و آگاه باش که علت اضمحلال و از هم‌پاشیدگی ارتشی به آن عظمت در مدتی بسیار کوتاه همین انتصابات و اقدامات نسنجیده و خیانت متصدیان و بلندپایگان همان ارتش بوده است.)

با توجه به مراتب بالا مناسب‌ترین افسر سپهبد ناصر مقدم فارغ‌التحصیل سال ۱۳۲۱ دانشکده‌ی افسری ست که از سال ۱۳۴۰ در اداره‌ی سوم سازمان اطلاعات و امنیت کشور، مسوول امنیت داخلی بوده و کلیه‌ی احزاب و گروه‌های مختلف را از سال‌ها قبل شناسایی نموده و با بعضی از مقامات آن‌ها ارتباط داشته است و چندین سال در سمت رییس اداره‌ی دوم ستاد بزرگ ارتشتاران خدمت نموده، مدتی کوتاه قبل از به ثمر رسیدن انقلاب در مقام معاون نخست‌وزیر و رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور انجام وظیفه نموده است. او تنها افسری بود که می‌توانست به جای سرلشکر امینی افشار در برآورد وضعیت عملیاتی مورد استفاده قرار گرفته و کامل‌ترین اطلاعات را از نیروهای مقابل (انقلابیون) در اختیار فرمانده بگذارد.

۲- معاون عملیاتی نیروی زمینی (رکن ۳)، سپهبد امیر فرهنگ خلعتبری، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۲۲ دانشکده‌ی افسری مراحل فرماندهی را از رسته‌ی پیاده<sup>۶</sup> دانشکده‌ی افسری تا فرماندهی هنگ و معاونت و رییس ستاد تیپ طی نموده و چندین سال فرمانده مرکز پیاده‌ی شیراز بوده و با تجربیاتی که در فرماندهی و مشاغل رزمی داشته می‌توانست به‌عنوان رکن سوم راه‌های کار خودی را در مقابل هر یک از امکانات طرف مقابل به نحو کامل و مستدل و منطقی بیان نماید.

۳- معاون پرسنلی نیروی زمینی (رکن ۱) سپهبد حسین جهانبانی فارغ‌التحصیل ۱۳۲۲ دانشکده‌ی افسری در رسته‌ی توپخانه، مدتی فرمانده مرکز زرهی شیراز بوده و در آموزشکده‌های تخصصی، تجربیاتی کسب نموده و چند سالی نیز امور پرسنلی نیروی زمینی را اداره نموده و از نظر تخصصی در امور پرسنلی قادر است نظریات قاطع و صریح در برآورد وضعیت عملیاتی ارائه نماید.

۴- معاون لجستیکی نیروی زمینی (رکن ۴) سپهبد جعفر صانعی فارغ‌التحصیل سال ۱۳۲۱ رسته‌ی پیاده دانشکده‌ی افسری که تا رده‌ی فرماندهی لشکر، لیاقت و کاردانی کامل از خود نشان داده و بسیار متعصب، میهن‌پرست و علاقه‌مند به حرفه‌ی سربازی بوده و با تجربیاتی که در خدمت سی و چند ساله‌ی خود کسب نموده، قادر است در امور تدارکاتی و لجستیکی نظریات صائب و مستدل در برآورد وضعیت عملیات ابراز نماید.

با توجه به توضیحات بالا، غیر از روسای چهارگانه‌ی ستاد، قریه‌باغی می‌توانست به منظور تکمیل اطلاعات در تصمیم‌گیری برآورد وضعیت عملیاتی از افسران زیر نیز استفاده نماید:

۱- سپهبد هوشنگ حاتم، جانشین رییس ستاد بزرگ، آمادگی بیشتری برای حل مسائل ستادی از رییس خود ارتشبد قریه‌باغی داشت.

۲- سپهبد عبدالعلی نجیمی نائینی از ورزیده‌ترین افسران نیروی زمینی که قبل از انتصاب سپهبد بدره‌ای به فرماندهی نیروی زمینی، جانشین فرمانده نیرو بوده و مسلط به کلیه‌ی امور مربوط به آن نیرو بوده است.

۳- سپهبد علی محمد خواجه‌نوری، رییس اداره‌ی سوم

۴- سپهبد عبدالعلی بدره‌ای، فرمانده‌ی نیروی زمینی

بنابراین با احتساب ارتشبد قریه‌باغی و چهار نفر روسای ارکان که قبلاً توضیح داده شد، جمعاً ۹ نفر می‌توانستند در تصمیم‌گیری برآورد وضعیت عملیاتی مورد استفاده قرار بگیرند. احضار بقیه‌ی پرسنل ضروری نبوده و دلیل ضعف قریه‌باغی در امور ستادی و اعتقادی وی به انجام کار شورایی در امور نظامی‌ست. با یک نظر اجمالی به صورت ۲۷ نفری، ملاحظه می‌شود که تعدادی از شرکت‌کنندگان افسر نیروی زمینی نبوده و یا در مشاغل اداری انتصاب داشته‌اند و شرکت آنان در جلسه‌ی مزبور فقط برای ازدیاد شرکت‌کنندگان و امضای صورت‌جلسه و رفع مسوولیت ز قریه‌باغی بوده است. ضمناً گفتنی‌ست، شرکت ارتشبد فردوست که اصولاً سمت نظامی نداشته، برای کمک به اجرای منویات غلط و مملکت بر باد ده قریه‌باغی بوده و در مقابل اسم خود هم می‌نویسد، رییس بازرسی شاهنشاهی (دفتر ویژه‌ی اطلاعات) که در جداول سازمانی ارتش چنین پیش‌بینی نشده است.

بحث و تصمیم‌گیری و صدور اعلامیه‌ی ارتش

کمسیون در ساعت مقرر با شرکت ۲۷ نفر از امرای ارتش با نظر ارتشبد قریه‌باغی تشکیل گردید. این جانب که شخصاً حضور داشتم مسموعات خود را به شرح زیر توضیح خواهم داد:

۱- ابتدا ارتشبد قریه‌باغی شروع به صحبت نموده و اظهار داشت چون آقای نخست‌وزیر ایشان را احضار نموده بایستی بعد از خاتمه‌ی کمیسیون برود (منظورش

عجله در طرح مسائل و تصمیمات از پیش اتخاذ شده‌ی بود که از حاضرین جز ارتشبد فردوست هیچ‌کدام اطلاع نداشتند). سپس وضعیت عمومی کشور و گزارشات مرکز فرماندهی و وقایع جاری و رویدادهای مرکز آموزش نیروی هوایی و درگیری همافران با پرسنل لشکر پیاده‌ی گارد شاهنشاهی و شکسته شدن اسلحه‌خانه‌ها و این‌که مردم به محوطه هجوم آورده و کلیه‌ی سلاح موجود را در اختیار گرفته و مسلح شده‌اند را بیان نمود. در ادامه چون سپهبد مهدی رحیمی را نخست‌وزیر احضار نموده و در جلسه حضور نداشت، ارتشبد قریه‌باغی مختصری از وضعیت شهربانی و تخلیه‌ی کلانتری‌ها و پیوستن پرسنل شهربانی به انقلابیون و تغییر ساعت عبور و مرور از ساعت ۴/۳۰ بعدازظهر و عدم اجرای آن به‌وسیله‌ی مردم، اشغال کارخانه‌ی مسلسل‌سازی، عدم اجرای دستورات ستاد به‌وسیله‌ی هوانیروز به‌علت نبودن سرلشکر خسروداد در دفتر فرماندهی و پادگان مربوطه را بیان نمود و از سپهبد مقدم درخواست کرد که آخرین وضعیت خصوصی سازمان مربوطه (ساواک) را تشریح نماید.

۲- سپهبد ناصر مقدم اظهار نمود که آقای نخست‌وزیر مدتی‌ست که سازمان امنیت را منحل نموده و انحلال آن نیز چند روز قبل، از تصویب مجلس گذشت و سازمان امنیتی وجود ندارد و مردم در تهران و شهرستان‌ها به سازمان حمله نموده، ضمن غارت وسایل، ساختمان‌ها را هم آتش می‌زنند. ساواک در وضعیت و موقعیتی نیست که بتواند اخبار و اطلاعاتی در اختیار تیمساران بگذارد و من نیز بنا به دستور تیمسار ریاست ستاد در این کمیسیون شرکت نموده‌ام و اطلاعاتی بیش از تیمساران ندارم تا به اطلاع شما برسانم.

در این‌جا باید اشاره‌ی به نظریه‌ی ارتشبد قریه‌باغی در صفحه‌ی ۳۵۶ خاطرات ژنرال بشود که می‌گوید: «چون تحقیق و کشف اسامی بعضی از فرماندهان که مانند سپهبد ربیعی در خفا اعلان همبستگی نموده

## سهم زنان

رؤیا شاه حسین زاده - ارومیه

در سرزمین من  
هیچ کوچه‌یی به نام هیچ زنی نیست  
و هیچ خیابانی  
بن بست‌ها اما  
فقط زن‌ها را می‌شناسند انگار.  
در سرزمین من  
سهم زن‌ها از رودخانه‌ها  
تنها پل‌هایی ست  
که پشت سر آدم‌ها خراب شده‌اند.  
این جا  
نام هیچ بیمارستانی مریم نیست  
تخت‌های زایشگاه اما  
پُر از مریم‌های دردکشیده‌یی ست  
که هیچ یک، مسیح را  
آبستن نیستند.

### روزهای چهارشنبه‌ی هر هفته

از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر

کلاس حافظ‌شناسی

در دفتر ماهنامه‌ی حافظ

برای علاقه‌مندان برگزار می‌شود.

تقاطع فلسطین و انقلاب - ساختمان مهر

شماره‌ی ۲ - دایرة‌المعارف ایران‌شناسی

و با مخالفین همکاری محرمانه داشته و به نیروهای مسلح خیانت نموده‌اند از لحاظ روشن شدن حقایق مربوط به وقایع بحران برای ثبت در تاریخ ایران خیلی مهم بود تا آن‌جا که برایم مقدور بود جست‌وجو کردم. با توجه به مدارک مسلم و قطعی علاوه بر سپهبد ربیعی عبارتند از سپهبد مقدم، سرلشکر نشاط، سرلشکر جواد مولوی، سرهنگ کیخسرو نصرتی، دریادار شعاع‌الله مجیدی».

۳- سپهبد بدره‌ای فرمانده‌ی نیروی زمینی اظهار نمود قسمتی از حوادی نیروی زمینی را تیمسار ریاست ستاد تشریح فرمودند. سپس اظهار نمود کلیه‌ی واحدهای نیرو در اختیار فرمانداری نظامی گذارده شده و نیروی زمینی احتیاج ندارد که در اختیار فرمانداری نظامی یا قسمت‌هایی که تقاضا می‌کنند بگذارد و توضیح داد به سرلشکر نشاط برای در اختیار گذاردن ۳۰۰ نفر مراجعه شده، صراحتاً دستور را اجرا نکرد، یک گردان پیاده هم برای کمک به فرمانداری نظامی از قزوین احضار شد که در حدود کاروان‌سرا سنگی مخالفین راه بر آن‌ها بسته و جلوی آن‌ها را گرفته و اطلاع بیش‌تری از آن‌ها در دست نیست. ۷ شب گذشته ساعت ۳ بعد از نیمه‌شب تعداد ۳۰ دستگاه تانک به سرپرستی سرلشکر کاظم ریاحی فرمانده‌ی لشکر گارد برای کمک به مرکز آموزش دوشان‌تپه اعزام شده‌اند. متأسفانه در حدود تهران‌پارس به‌وسیله‌ی انقلابیون از حرکت آن‌ها جلوگیری شده، ضمن تیراندازی، آرابه‌ها را آتش زده و سرلشکر ریاحی کشته شده و برابر گزارش رسیده از ۳۰ دستگاه تانک اعزام شده فقط چند دستگاه به سربازخانه مراجعت نموده‌اند.<sup>۸</sup>

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- آن‌چه که من به یاد دارم و در مراسم آن روز شرکت نمودم، به کلی ایشان در موارد بالا صحبتی نکرد و طبق معمول از ورود خودش به دانشکده‌ی افسری تا آن روزی که ۴۲ سال گذشته بود سخن گفت و مراسم نیز پس از رژه دانشجویان دانشکده‌ی افسری پایان پذیرفت.
- ۲- اعترافات ژنرال، نقل به مضمون از صفحه‌ی ۳۵۰-۳۴۴
- ۳- بررسی وضعیت جوی برای یک مرحله عملیات تاکتیکی در منطقه‌ی رزم به خصوص در زمستان لازم و حتمی‌ست ولی در این وضع به‌خصوص موردی ندارد. بررسی زمین به منطقه‌ی عملیات که سعی می‌شود به دشمن تحمیل شود، اختصاص دارد که در مناقشات داخلی و تظاهرات خیابانی در نظر گرفته می‌شود.
- ۴- ستاد بزرگ ارتش‌تاران
- ۵- در درجه‌ی ستوان یکمی در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۳ که نویسنده با درجه‌ی سرگردی فرماندهی قرارگاه نخست‌وزیری را به عهده داشتم به اتفاق ستوان یکم خسروداد (سرلشکر بعدی) و ستوان یکم نجم‌آبادی همکاری داشت.
- ۶- در سال تحصیلی ۱۳۳۳-۱۳۳۲ فرمانده‌ی رسته‌ی این‌جانب در دانشکده‌ی افسری بوده و مرنوس مستقیم ایشان بودم.
- ۷- سپهبد بدره‌ای در این مورد یا نخواست حقیقت را بگوید یا اطلاع نداشت که کلیه‌ی پرسنل گردان به انقلابیون پیوسته و سلاح، خودروها، وسایل مخابراتی، تفنگ‌های ژ۳، مهمات یک گردان زرهی در اختیار انقلابیون قرار گرفته است.
- ۸- اعزام ۳۰ دستگاه آرابه‌ی جنگی به فرض این‌که لازم و دراجرای دستور رییس ستاد بوده، نباید به سرلشکر ریاحی که سمت فرماندهی لشکر را داشته و موظف بوده است در قرارگاه خود باقی مانده و سر و صورتی به وضعیت اسفناک و از هم پاشیده‌ی لشکر بدهد، واگذار شود و سپهبد بدره‌ای می‌توانست این مأموریت نابه‌جا و غیرلازم را حداقل به یک سروان یا سرگرد زرهی که تخصص لازم را داشته باشد ارجاع نماید.